**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه اول\_1 مهر 1398**

بحث ما در حجیت خبر واحد بود، همه ادله­ایی را که در کتاب ها مطرح شده بود بررسی کردیم. نتیجة الکلام این شد که تا وثوق و اطمینان حاصل نشود، هیچ خبری واجد شرائط حجیت نخواهد بود. ان شاء الله بعدا شواهدی را اقامه خواهیم کرد که نظر مبارک شیخ اعظم هم همین است. چنان که هم در رسائل، هم در کفایه خوانده اید. یک عده برای اثبات حجیت خبر واحد از راه اثبات حجیت مطلق ظنون وارد شده اند و گفته اند هر ظنی حجت است و از جمله ظنی که از خبر واحد ایجاد شود. هم در رسائل، هم در کفایة، چهار وجه بیان شده است برای اثبات حجیت مطلق ظنون و منها خبرالواحد، 3 وجه چندان نیازمند به بحث نیست، چون هم در رسائل و کفایه به قدر کافی بحث شده است و نیاز بیشتری ندارد و هم وابستگی دارد، فهم این سه راه به خود راه چهارم که انسداد است لذا بحث را متمرکز می کنیم در ان راه حل اصلی که انسداد باشد اما برای تکمیل بحث آن سه راه را اشاره می کنم:

1. یکی این است که مخالفت با ظنون در امور وجوبی و تحریمی مظنه ضرر است و دفع ضرر هم واجب است.

مراجعه کنید به پاسخ ها و نقدهایی که در رسائل و کفایه امده است.

1. اگر به ظنون اخذ نشود مجبور می شویم سراغ وهم برویم و این می شود ترجیح مرجوح بر راجح.
2. سوم هم اینکه ما دائریم بین سه راه. یا به موهومات عمل کنیم که این شدنی نیست یا در کل موارد احتیاطی بشویم که این عسر و حرج است و یا به ظنون عمل کنیم و این هم دقیقا وابسته است به راه چهارم که همان مقدمات انسداد باشد لذا بحث را بر همان چهارمی که اصل و اساس است متمرکز می کنم.

دلیل چهارم بر حجیت ظنون از جمله ظن حاصله از خبر واحد، دلیل انسداد است. دلیل انسداد قبل از میرزای قمی مطرح بوده است. منتها به میرزا نسبت می دهند چون ایشان این را منقح کرده و خودش به ان معتقد است. متاسفانه در وقت خواندن سطوح در این بخش رسائل و کفایه اعتنای چندانی نمی شود در حالی که بحثی است بسیار مفید و لازم. خواهید دید نمی شود چشم خودمان را ببندیم و بگوییم ما انفتحاحی هستم و نیازمند به بحث انسداد نیستیم. اشکالاتی که انسدادیون مطرح می کنند اشکلات کم و کوچکی نیست که با یک کلام از ان رد بشویم. لذا من چون این نقیصه را در خواندن رسائل و کفایه دیده ام؛ لذا فرمایش این دو بزرگوار مبنا قرار می گیرد.

فرق بین مرحوم آخوند در کفایه با مرحوم شیخ در رسائل این است که مرحوم آخوند صراحتا ادله انسداد را مورد مناقشه قرار می دهد اما مرحوم شیخ اگر چه مناقشاتی دارد اما ان اصول اساس انسدادیون رو ساکت گذاشته است و این کنایه از پذیرش مسلک انسداد است فضلا از شواهدی که ما خواهیم اورد که ایشا هم در اصول و هم در فقه تمایل به انسداد دارد.

آن چه ما به ان معتقد خواهیم شد از خانواده انسداد است اما فرق اساسی خواهد داشت با آن چه که مثل میرزای قمی و قائلین به انسداد به آن معتقد اند . مختار ما نزدیک به ان انسداد است در عین فرق هایی که خواهد داشت.

اما تعبیر شیخ اعظم این است که انسداد مرکب است از مقدماتی. شیخ چهار مقدمه بیان کرده است و مرحوم آخوند 5 مقدمه بیان کرده است . در نحوه تعبیر این دو هم یک اختلافات جزئی دیده می شود که شاید قابل بازگشت به یکدیگر باش دو نحوه تعبیر فقط متفاوت است. فعلا بیان شیخ.

4 مقدمه شیخ از این قرار است:

1. انسدادُ بابِ العلمِ والظن الخاص فی معظم المسائل الفقهیه.

ما راه علم ویقین نسبت به اکثر مسائل فقهیه نداریم.

این واقعیتی است که کسی هم منکر آن نیست.

و نیز انسداد باب ظن خاص. مراد از ظن خاص اموری است که شارع بالخصوص ان ها را امضا و تایید فرموده است گفته اگر چه این ظنی است ولی من این راه حل را می پذیریم. انسدادی باید اثبات کند که همان طور که باب علم منسد است باب ظن خاص هم منسد است. در برابر خواهید دید انفتاحیون می گویند قبول داریم باب علم منسد است اما باب ظن خاص منسد نیست.

تعبیرشیخ اعظم این است که فی معظم المسائل الفقیه. در بیشتر مسائل فقهیه.

مقدمه دوم کفایه همین مقدمه اول جناب شیخ است. می فرماید:

انّه قد انسد علینا بابُ العلم و العلمی الی کثیر منها

به جای کلمه ظن خاص کلمه علمی آورده است که علمی در اصطلاح اصولیین همان ظن خاص است. مراد ان امور غیر یقینی است که شارع ان ها ر اراه قرار داده است و امضاء فرموده است.

فرق دوم این دو بزرگوار این است که شیخ فرمود فی معظم المسائل الفقیه اما آخوند می گوید فی کثیر منها. به نظر تعبیر جناب شیخ ادق است. منتها تفاوت سومی در این دو تعبیر دیده می شود. آقای آخوند می فرماید فی کثیر منها که بر میگرد ضمیر منها به صدر قبل که کلمه تکالیف است. مقصود از تکلیف هم وجود و حرمت است و بحث استحباب و کراهت و اباحه نیست. آقای شیخ فرمود فی معظم المسائل الفقهیه . اینجا خصوص بحث تکلیف نیست. انی جا کلمه آقای آخوند ادق است و اتفاقا منظور شیخ هم همین تکالیف است. از کلمات شیخ استفاده می شود که مرادش همان تکالیف وجوب و حرمت است. خلاصة الکلام اینکه مقدمه ایی که شیخ مقدمه ا ول و آخوند مقدمه دوم قرار داد این است که انسدادی باید بگوید قسمت عمده وجوب و حرمت نه راه یقینی به انها هست نه ظن خاص و علن.حال راه اثبات این ادعای بزرگ چیست بماند.

این مقدمه اول شیخ که مقدمه دوم آقای اخوند باشد.

1. واضح است که ما حق نداریم هر جا شک و شبهه داشته باشیم، عمل را مهمل بگذاریم. صرف شبه و شک مجوز اهمال نسبت به احکام نیست.

الثانیة انّه لا یجوزُ لنا اهمالُ الاحکام المشتبه و ترک التعذّر لامتثالها

اینکه شیخ اعظم مقدمه دومش را قرار می دهد لا یجوز الاهمال ، پس معلوم می شود، دارد در دائره تکالیف الزامی بحث می کند چون ان چیزی لا یجوز الاهمال فیه که تکلیف باشد . این ان قرینه است که نشان می دهد که مراد از کلمه المسائل الفقیه که گفت احکام الزامیه است. ولی عرض کردم کلام آخوند ادق است چون تصریح می کند.

این اهمال به دو جور ممکن است که یکیش را الان می گوییم و ان این است که من اکتفا کنم فقط به انچه یقین و علم تفصیلی دارم یا انجایی که ظن خاصی وارد شده است بقیه موارد را بگوییم کالاطفال والبهائم. هیچ تکلیفی نیست.

مقدمه دوم را جناب آخوند خلاصه کرده است:

انه لا یجوز لنا اهمالها و عدم التعرض لامتثالها اصلا

و اما مقدمه سوم در بیان جناب شیخ

1. انه اذا وجب التعرض لامتثالها فلیس امتثالها بالطرق الشرعیه المقررة للجاهل من الاخذ بالاحتیاط الموجب للعلم الاجمالی بالامتثال او الاخذ فی کل مساله بالاصل. بگذارید من مقدمه دوم و سوم را به عبارت خود بیان کنم.

در مجموعه روایات ما که الان دست ماست من الاخبار الآحاد اخبار دال بر وجوب و حرمت فراوان است . ما سه راه داریم نسبت به این مجموعه از اخبار آحادی که دال بر وجوب یا دال بر تحریم است:

الف: بگوییم ما نسبت به این ها هیچ گونه تکلیفی نداریم. چون خبر واحد است و یقین یا ظن خاص نیست.

این را که هیچ کس نمیپذیرد.

ب: بگوییم ما اینجا مثل جاهلیم که یک راه حل جاهل احتیاط است. ما در دائره همه این روایاتی که وجوب یا حرمت را بیان فرموده است احتیاط می کنیم. وقتی احتیاط کردیم بالاخره عهده ما از تکلیف واقعی خارج شده است. شیخ در مقدمه چهارم این را گنجانده که این احتیاط گاهی اصلا جایز نیست و ان جایی است که اختلال نظام پیش بیاید و گاه واجب نیست و ان جای است که حرج نباشد..این جا احتیاط خوب است ولی واجب نیست.

ج: راه سوم این استت که مساله به مساله پیش می آییم و می گوییم لطفا مسیر خود را به سوی اصول عملی ببرید. حال یک مساله استصحاب جاش است یک مساله تخییر جایش است یک مساله احتیاط و یکی برائت. این هم جایز نیست.

پس باید بیایین سراغ حجیت مطلق ظنون تا از این بن بست ها رهایی پیدا کنیم. هر راهی بیابی از بن بست خارج نمی شوی الا به اینکه مثل من میرزای قمی انسدادی بشوی.

اذا وجب التعرض لامتثالها فلیس امتثالها بالطرق الشرعیه المقررة للجاهل

ان شاء الله ادامه بحث جلسه آینده

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.